

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھیم از آن به که کشور به دشمن دھیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"

14 نومبر 2011

ای قوم به حج رفته!!!

میگویند، یا افواه است که در ویرانکده افغانستان عزیز، بیش از شش میلیون مردم به سطح فقر مطلق زندگی میکنند، از طرف دیگر در چند سال اخیر، سالانه بیش یا کم از سی و پنج هزار زن و مرد بغرض ادای فریضه حج به بیت الله شریف سفر مینمایند. اگر مصرف سفر و اقامت هر حاجی را در دوران مناسک حج بطور اوسط سه هزار دالر تخمین بزنیم، سی و پنج هزار حاجی، مجموعاً یک صد و پنج میلیون دالر را درین راه "نیک" به مصرف میرسانند که با نرخ روز در کابل، اضافه از چار ملیارد افغانی را نشان میدهد.

با مشاهده گرمجوشی سفر حجاج محترم وطن از کابل و ولایات به عربستان سعودی و بعضاً تماشای طواف حجاج در حرم شریف از تلویزیونها که خوشبختانه این کمینه هم در دوران مأموریت در شرکت هوایی آریانا به آن بارگاه مشرف شده است، شعری از حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی در دیوان بزرگ شمس نظرم را جلب کرد که خطاب به قوم به حج رفته سروده شده است. خواستم این شعر را که ارتباط مستقیم با وضع فعلی حجاج ما در وطن دارد، تخمیس نموده و به مطالعه خوانندگان معزز برسانم، امید است مورد پسند قرار گیرد.

یک روز اگر چشم بصیرت بگشائید یک بار گر از ورطه وسواس برائید
این نغمه جانبخش مکرر بسرائید ای قوم به حج رفته کجائید، کجائید
معشوق همین جاست بیائید، بیائید

ای دُور ز پندار و فرو رفته به کردار پا از حرم عقل برون آمده، مگذار
یک حرف حقیقت بنو میگویم و هشدار معشوق تو همسایه دیوار به دیوار
در بادیه سرگشته شما در چه هوائید

گاهی بریا بر سر سجاده نشینید گه سر به فلک، گاه در اعماق زمینید
یک بار گر از میوه اخلاص بچینید گر صورت بی صورت معشوق ببینید
هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شمائید

بی دانه عجب بی سر و سامانه برفتید خود دام بجا مانده و بی دانه برفتید
از دوست سخن گفته به بیگانه برفتید ده بار ازان راه، بدان خانه برفتید
یک بار ازیں خانه برین بام برانید
در کعبه رسیدید و خمیدید و چمیدید بسیار صفارفته و در مروه دویدید
یک نغمه خوش کو اگر آن لحظه شنیدید یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدید
یک گوهر جان کو اگر از بحر خدائید
با آنکه به مژگان در آن خانه پرفتید در بادیه پیمائی نه خوردید و نه خفتید
صد در گرانمایه بگفتید و بسفتید آن خانه لطیف است، نشانهاش بگفتید
از خواجه آن خانه نشانی بنمائید
ای خانه بیگانه ز امداد تو آباد از خانه ویران شده خویش بکن یاد
در خانه خود از تو "اسیر"ی نشد آزاد با این همه این رنج شما گنج شما باد
افسوس که بر گنج شما، پرده شمائید

(محمد نسیم «اسیر» - فرانکفورت، 20 نومبر 2010 م)